

## مؤلفه های مکانی پیشگیری وضعی و پلیسی از جرم

مهدی مقیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

آموزه های مرتبط با پیشگیری وضعی، «موقعیت ارتکاب جرم» را یکی از عوامل اساسی جرم محسوب می کند. در این میان، «مکان» می تواند از نظر ایجاد یا تاثیر بر موقعیت جرم، به عنوان یکی از شاخص های بنیادین، در محور تحلیل های پیشگیری وضعی قرار گیرد. هدف مقاله حاضر، بررسی نقش مکان در پیدایش موقعیت جرم و تبیین ارتباط میان «مکان» با تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه وضعی است. چگونگی شناسایی مکان های جرم خیز، انواع نقاط جرم خیز و عوامل موثر در پیدایش آن ها، از جمله مهم ترین اهداف فرعی این مقاله است. مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش اسنادی با استفاده از منابع اصلی (انگلیسی)، کتاب ها و مقالات تالیفی، ترجمه ای و ... تالیف شده است.

نتایج مقاله گویای آن است که سیاهه جرایم با توجه به ویژگی های مکانی توزیع می شود. از سویی بزهکاران با توجه به ویژگی های جرم شناختی حاکم بر منطقه یا محل، در انتخاب مکان ارتکاب جرم، دست به محاسبه هایی منطقی می زنند. به همین دلیل برخی از اماکن، مناطق و یا محل ها به صورت دائمی محل وقوع بسیاری از جرایم هستند. بر این مبنا می توان با مدنظر قرار دادن «مکان»، به راهکارها و تدابیر پیشگیرانه وضعی به صورت نظام مند، جهت بخشید و به موثرترین شیوه، منابع محدود پیشگیری را صرف بحرانی ترین اماکن نمود. در آخر نیز چند پیشنهاد کاربردی در راستای پیشبرد مطلوب تر اقدامات پیشگیرانه وضعی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** جرم، پیشگیری وضعی از جرم، مکان.

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

## مقدمه

جرم را می توان «پدیده ای مکانی» تلقی کرد، به این معنا که با وجود یک مکان می توان وقوع جرم را متصور شد. مطابق آموزه های جرم شناسی محیطی، جرم حاصل انتخاب به هنگام بزهکار است، انتخابی که با فراهم آمدن یک موقعیت مناسب برگزیده می شود. بنابراین منطقی است که ارتکاب جرم را در موقعیتی مطلوب ناشی از وجود مکانی مناسب دانست. از این رو مکان نقش چشمگیری در پیدایش موقعیت جرم ایفا می کند و می توان آن را «بستر پایدار و دائمی» موقعیت جرم محسوب نمود. از سویی پیشگیری وضعی که رویکردی موقعیت مدار است، درصدد از بین بردن موقعیت جرم از طریق برهم زدن عناصر تشکیل دهنده موقعیت است. بنابراین مکان را می توان یکی از ملاحظات اساسی در هر نوع برنامه ریزی برای پیشگیری وضعی دانست. معمولاً تا چند دهه پیش حداکثر منابع پیشگیری به بزهکار و بزه دیده اختصاص می یافته است، اما پیشگیری وضعی این مجال را به وجود آورد که به «زیستگاه جرم» نیز توجه شود چرا که همیشه این زیستگاه (مکان) وجود دارد که شکارچی (بزهکار) برای شکار می آید. در این راستا یکی از نتایج کاربردی توجه به مکان در تدابیر پیشگیرانه وضعی، شناسایی مناطق جرم خیز یعنی مکان های خاص با نرخ های بالای جرم است.

تحقیقات نشان داده اند به اشکال مختلفی می توان وقوع انواع جرایم را به مکان های خاصی نسبت داد. از سویی منابع پیشگیری از جرم نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا بسیار محدود است. از این رو در دنیای امروزی نحوه تخصیص منابع پیشگیری از جرم و تخصیص گرایی در این امر از اهمیت بالایی برخوردار است. پیشگیری وضعی به واسطه برخورد تخصصی و فنی با پدیده بزهکاری، درصدد استفاده بهینه از منابع بسیار اندک پیشگیری می باشد. بنابراین با شناخت و تحلیل نظام مند «مکان» به عنوان یکی از عوامل به وجود آورنده موقعیت و یکی از معیارهای

جرم‌شناختی پیشگیری، می‌توان تخصیص بهینه منابع پیشگیری، انتخاب راهکارهای موثرتر بازدارنده، اجرای کارآمد آن و کاهش حداکثری جرم را تضمین نمود.

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی مشخصه‌های جرم شناختی پیشگیرانه «مکان» وقوع جرم و تشریح ارتباط منطقی و پیوسته «مکان» با تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه وضعی است. مقاله حاضر در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول ماهیت «مکان» به عنوان یکی از عوامل اصلی جرم و چگونگی مطالعه آن در پیشگیری وضعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبقه بندی مکانی جرایم، تاثیر مکان و ویژگی های خاص آن بر جرم و چگونگی استفاده بزهکاران از مکان، رابطه علی آن با موقعیت ارتکاب جرم، میزان توزیع جرم در هر مکان و چگونگی محاسبه آن، مهم ترین ملاحظات شناختی و تحلیل از مکان است که در راستای برخورد پیشگیرانه با جرم در این بخش تشریح شده اند. بخش دوم این مقاله به معرفی و تشریح اماکن و محل های بحرانی جرم و ویژگی های جرم شناختی آن ها می پردازد. دلایل بحرانی بودن اماکن و محل های جرم خیز، ویژگی و خاصیت حاکم بر هر یک از نقاط، مناطق یا محله های جرم خیز و نحوه تحلیل و انتخاب راهکارهای پیشگیرانه وضعی برای هر محل یا منطقه از مهم ترین مطالبی است که در این بخش از مقاله ارایه شده اند. «جابه جایی بزهکاری» و «توزیع جغرافیایی منافع»، به عنوان رایج ترین مسایلی که ممکن است پس از اجرای هدفمند تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه وضعی رخ دهند، تبیین شده اند. در آخر نیز چند پیشنهاد پژوهشی و کاربردی در راستای پیشبرد مطلوب تر اقدامات پیشگیرانه وضعی ارایه شده است.

## اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله، تبیین و تشریح ارتباط منطقی و پیوسته «مکان» با تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه وضعی است. از جمله مهم ترین اهداف فرعی تحقیق حاضر عبارت است از:

- ۱- معرفی حداقل تکنیک ها، اصول و معیارهای لازم برای شناسایی مکان های جرم خیز.
- ۲- تشریح انواع نقاط جرم خیز و عوامل موثر در جرم خیز شدن آن ها.
- ۳- تبیین کاربردی ترین راهکارهای پیشگیرانه وضعی درباره نقاط جرم خیز.

### پیشینه تحقیق

مقاله حاضر ضمن بررسی مختصر پیشینه مطالعات صورت گرفته در این زمینه، سیر تکوینی پژوهش های تاثیر مکان و محیط<sup>۱</sup> بر جرم را نیز به صورت مجزا تشریح می کند. روند این مطالعات از گذشته تا به امروز را می توان طی سه دوره بررسی نمود (کلانتری، ۱۳۸۲، ص ۴۳): در دوره اول، تاثیر جبری عوامل محیط طبیعی مانند آب، هوا، باد و ... بر جرم بررسی شده است. بقراط و ارسطو از جمله متقدمان، و ژان ژاک روسو، مونتسکیو و داروین نظریه پردازان متاخر این دوره محسوب می شوند. دوره دوم را می توان آغاز مطالعات اکولوژی اجتماعی محسوب کرد. در این دوره و با تحقیقات صورت گرفته از سوی اشخاصی مانند: گری و کتله (۱۸۳۳)، شاو و مک کی، انریکو فری، لاکاسانی و ... بوده که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی، تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته می شود. تفاوت بارز میان تحقیقات دوره اول با این دوره در تاکید بر عوامل جبری محیط طبیعی بر رفتار انسان ها در دوره اول، و تمرکز بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... بر رفتار انسان ها در دوره دوم است. دوره سوم این پژوهش ها را می توان از دهه ۱۹۷۰ به بعد و در برگیرنده جنبه های گوناگون تحلیل های مکانی جرم

---

<sup>۱</sup> از دیدگاه قرآن خداوند کریم انسان را طوری آفریده که در طبیعت رشد کند و طبیعت، زمینه ساز حیات و بقای او باشد. در قرآن با این که مکان به عنوان یک اصل محوری در ازدیاد یا کاهش بزهکاری مطرح نمی شود اما مصادیقی از آن مانند «هجرت» مورد تاکید می باشد (آیه ۷۴ سوره حجر). مهاجرت همان طور که در جغرافیای جنایی می تواند از عوامل کاهش یا افزایش جرم باشد از منظر قرآن کریم نیز می تواند موقعیت های ارتکاب جرم را از بین برده یا به حداقل برساند (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸).

دانست. تولید نرم افزارها و فناوری های نوینی مانند GIS، برنامه رایانه ای Crime Analysis و ... از پیشرفت های حاصل آمده در این زمینه محسوب می شود.

تدوین نظریاتی مانند نظریه پنجره های شکسته، فعالیت های روزمره، انتخاب معقول، الگوی جرم، امور پلیسی مساله محور و مبتنی بر محله های جرم خیز، طراحی محیطی عاری از جرم نیز مهم ترین نظریات کاربردی برآمده از این پژوهش ها هستند. در ارتباط با موضوع این مقاله، تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که به دو نمونه از تحقیقات داخلی اشاره می شود: محسن کلانتری و مهدی توکلی در مقاله ای با عنوان «شناسایی کانون های جرم خیز شهری» ضمن بررسی مفهوم کانون های جرم خیز و روش های شناسایی آن ها، کاربرد نقشه و نرم افزارهای جرم، تحلیل علمی این کانون ها را از دهه ۱۹۸۰ و در مطالعات غربی ها دانسته اند. مولفان در این مقاله پیشنهاد کرده اند که شایسته است مدیران عرصه پیشگیری، یافته های حاصل از شناسایی این نوع کانون ها را در تصمیم سازی های خویش دخیل سازند. مهرانگیز رضایی و همکاران در مقاله ای با عنوان «تحلیل فضایی و پیشگیری از جرم با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی» با بررسی نقشه جرم و اهمیت آن در تحلیل های پیشگیری از جرم، به معرفی انواع نرم افزارهای تحلیل مکانی جرم پرداخته و در این میان GIS را تشریح کرده اند.

### روش تحقیق

مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه ای با استفاده از منابع تالیفی به زبان اصلی (انگلیسی)، کتاب ها و مقالات تالیفی و ترجمه ای، سایت های اینترنتی، قوانین مدون داخلی و خارجی و برخی از طرح های اجرا شده با هدف پیشگیری از جرم تالیف

شده است. لازم به ذکر است که در تدوین ساختار کلی مقاله و میزان شرح و بسط مطالب از اظهار نظرهای کارشناسی نیز استفاده شده است.

### **تأثیر مکان بر تدابیر پیشگیری وضعی**

بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسی در پی کشف عوامل بزهکار شدن اشخاص هستند. آن‌ها عوامل ریشه‌ای بزهکاری نظیر تربیت دوران کودکی، ساختار ژنتیکی، عوامل روان‌شناسی و اجتماعی را عامل این امر می‌دانند. اما برخی از رویکردهای نوین جرم‌شناسی بدون در نظر گرفتن فرایند بزهکار شدن فرد، به «روند مادی ارتکاب جرم» توجه می‌کنند. پیشگیری وضعی یکی از مصادیق این رویکردها می‌باشد که درصدد کاهش فوری، حداکثری و کم هزینه جرم از طریق حذف «عوامل نزدیک و آنی» جرم است. از دیدگاهی کلی می‌توان عوامل جرم را به دو دسته درونی (فردی) و بیرونی (محیطی و مکانی) طبقه بندی کرد. پیشگیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً درصدد حذف عوامل بیرونی بزهکاری و کاهش فرصت‌های مستعد ارتکاب جرم است. برخلاف پیشگیری اجتماعی که بر مبنای علت شناسی بزهکاری است، پیشگیری وضعی بر نقش وضعیت ما قبل بزهکاری در فرایند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه و روند مادی ارتکاب جرم تمرکز دارد.

«موقعیت» به عنوان یکی از «عوامل وقوع پدیده مجرمانه»، قصد، انگیزه، وسوسه و میل به نقض قانون را به وجود می‌آورد. موقعیت‌ها، وضعیت‌های پیش‌جنایی هستند که تصمیم به ارتکاب جرم را ترغیب و تقویت کرده و به امید تحصیل نفع، بر ارزیابی از خطرات و درجه و میزان دشواری جرم تأثیر می‌گذارند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱). بر این اساس تمرکز پیشگیری وضعی بر زمان‌ها و محیط‌هایی است که موقعیت ارتکاب جرم را به وجود می‌آورند، نه بر

کسانی که مرتکب جرم می‌شوند. این نوع پیشگیری با تحلیل شرایطی که موجب ارتکاب انواع جرایم می‌شود در پی تغییر مدیریت و محیط است، به طوری که رفتار مجرمانه مشکل‌تر، خطرناک‌تر، کم‌مزیت‌تر و دارای توجیه‌پذیری کم‌تری شود.

از سویی شکل‌گیری پدیده مجرمانه، مستلزم بروز یک رفتار از سوی عامل انسانی در یک زمان و مکان است. صرف‌نظر از عوامل پیدایش پدیده مجرمانه، وجود یک بستر زمانی و مکانی برای وقوع پدیده مجرمانه ضروری است. عامل مکانی پدیده مجرمانه همانند عامل زمانی و انسانی می‌تواند واجد ویژگی‌های منحصر به فردی باشد که وقوع این پدیده را ممکن، گاه آسان یا دشوار می‌سازد. از این رو ویژگی‌های موجود در یک مکان می‌تواند از حیث وقوع پدیده مجرمانه، آن را از سایر مکان‌ها متمایز سازد. بنابراین توجه به ویژگی‌های مکانی پدیده مجرمانه، به عنوان یکی از در دسترس‌ترین و بدیهی‌ترین عوامل بزهکاری می‌تواند معیاری مشخص برای اجرای تدابیر پیشگیرانه وضعی در اختیار گذارد. البته در بسیاری از نظریات سنتی جرم‌شناسی مانند مکتب جغرافیایی جرایم که حاصل اندیشه‌های کتله و گری بود (نورپها، ۱۳۸۶، ص ۴۹)، برخی از نظریات مکتب اثباتی با محتوای بوم‌شناختی (دانش، ۱۳۶۶، ص ۲۷۱) و یا برخی نظریات منتسکیو بر این مبنا که محیط جغرافیایی می‌تواند کانونی برای جرایم مختلف باشد (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ص ۴۶۸) نیز مکان به عنوان مبنای تحلیل‌ها و تبیین‌های بزهکاری قرار گرفته است.

اما در این مقاله منظور از محیط و مسایل مربوط به آن، محیط طبیعی و تاثیرات اقلیمی بر رفتار انسان‌ها نیست. در حقیقت جرم‌قبل از آن که پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط جامعه و مکان وقوع آن است (رحمت، ۱۳۸۸، ص ۷۰). بر همین مبناست که بزهکاران بالقوه نیز برای ارتکاب جرم دست به «انتخاب مناسب‌ترین مکان» می‌زنند. با نگاهی تخصصی به «مکان» می‌توان با معیاری

واحد، همه جرایم را بررسی و تحلیل کرد. در نظر گرفتن عامل مکان در پیشگیری وضعی، جرم شناسان و دست اندرکاران عرصه پیشگیری را از محدود شدن به مفاهیم انتزاعی یا بحث های کلان درباره طبقه اجتماعی، نژاد، بهره هوشی و ... به دور نگاه می دارد. پیشگیری وضعی با توجه به موقعیت و به تبع آن، مکان به عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع جرم، به بررسی ویژگی های حاکم بر الگوهای رفتاری و تاثیرگذار بر انتخاب ها، تصمیم گیری و ... می پردازد. به طور کلی با معیار قرار دادن مکان، می توان از مزایای زیر بهره برد:

- ۱- منابع پیشگیری وضعی را می توان به طور تخصصی به مناطق جرم خیز و آماج هایی با بیشترین میزان بزه دیدگی اختصاص داد.
- ۲- راهکارهای پیشگیرانه وضعی را در مکان های برخوردار از ویژگی های مشابه اجرا کرد.
- ۳- منابع محدود پیشگیری را متناسب با نیاز هر مکان یا منطقه صرف کرد. زیرا هر یک از جرایم در هر مکان به میزان مشخصی واقع می شوند. بنابراین در راستای استفاده بهینه از منابع، اجرای راهکارهای پیشگیرانه نیز می بایست متناسب با سهم هر مکان از جرایم حادث در آن باشد.
- ۴- مرتکبان جرایم شدید و بزهکاران خطرناک را شناسایی نمود.
- ۵- برای ثبت و مستندسازی جرایم، ابزاری سنجشی و کاربردی در اختیار دست اندرکاران عرصه عدالت کیفری می گذارد و محدودیت های موجود در زمینه اطلاعات و رویه های پیشگیرانه را آشکار می کند.
- ۶- با استفاده از اطلاعات مکانی جرم می توان الگوهایی را طراحی کرد که مشکلات ناشی از تکرار جرم را کم تر کند.



با این وصف، مکان وقوع جرم ارتباطی تنگاتنگ با پیشگیری وضعی دارد و در برنامه‌ریزی برای این عرصه می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای نسبتاً پایدار در نظر گرفته شود. در ادامه برای شناخت و تحلیل مکانی بزهکاری سه موضوع ضروری یعنی «طبقه‌بندی مکانی جرایم»، «عزیمت برای ارتکاب جرم» و «قاعده ۲۰-۸۰» تشریح می‌شود.

### طبقه بندی مکانی جرایم

پیشگیری وضعی بر این اندیشه استوار است که گذر از اندیشه به عمل مجرمانه، نه تنها به انگیزه مرتکب بلکه به خصوصیات وضعی نیز بستگی دارد. بنابراین با مدیریت محیط می‌توان از ارتکاب برخی جرایم پیشگیری کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۶۸). برای تعریف، تحلیل و تفکیک جرایم به ظاهر مشابه از یکدیگر باید آن‌ها را طبقه‌بندی نمود. با طبقه‌بندی این امکان فراهم می‌آید تا بتوان جرم مورد نظر را با جرایم شناسایی شده مشابه مقایسه، و ویژگی‌های مهم آن‌ها را شناسایی کرد. با دسته‌بندی جرایم است که می‌توان مناسب‌ترین و موثرترین راهکار یا راه حل کاهش این جرایم را یافت. از سویی می‌توان تحلیل‌ها و راهکارهای کاهش جرم مورد نظر را از راهکارها و تحلیل‌های انواع دیگر جرایم متمایز ساخت. شیوه‌های گوناگونی برای طبقه‌بندی جرایم وجود دارد. شیوه‌ای که در زیر آرایه می‌شود مبتنی بر دو معیار جرم‌شناختی «محیط» و «رفتار» است. تفکیک با استفاده از این دو معیار کمک می‌کند که جنبه‌های مهم آسیب، سوء نیت و روابط حاکم میان آماج جرم و بزهکار شناسایی شود (اک و کلارک<sup>۱</sup>، ۴، ۲۰۰۳-۲۱۳).

«محیط‌ها» به دلیل فعالیت‌هایی که اشخاص در آنجا انجام می‌دهند یا کسانی که آنجا را اداره می‌کنند، امکان دسترسی به آماج جرم را فراهم می‌آورند. با شناسایی نوع محیط می‌توان

---

<sup>1</sup> Eck, John and Ronald Clarke

محیط‌های جرم خیز را از سایر محیط‌ها تفکیک نمود و ویژگی‌های آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. از سویی یکی از ویژگی‌های ممتاز محیط‌ها این است که هر مکان یا محیطی، مالک یا متصدی دارد که می‌تواند در کاهش جرم نقش مهمی ایفا نماید. به طور کلی ۱۰ نوع محیط به شرح زیر با مسایل جرم‌شناسی مرتبط می‌باشند (گلدشتاین و ساملیش، ۱، ۲۰۰۶، ۳۲۲):

- محیط‌های مسکونی: نظیر خانه‌ها، آپارتمان‌ها و اتاق‌های هتل. اگرچه اغلب آن‌ها در مکان‌هایی ثابت قرار دارند، اما برخی نیز مانند وسایل نقلیه تفریحی متحرک‌اند.

- اماکن تفریحی: مانند رستوران‌ها، سینماها، زمین‌های بازی، بندرگاه‌ها و پارک‌ها.

- ادارات: محل انجام امور اداری و دفتری هستند که ویژگی آن‌ها تعامل نزدیک و رو در روی کارکنان و ارباب رجوع است. اغلب امکان دسترسی به این اماکن کم است، مانند اماکن دولتی و عمومی.

- اماکن تجاری و بازارها: مکان‌هایی هستند که اشخاص می‌توانند پیاده یا سواره در آنجا رفت و آمد و معامله کنند مانند فروشگاه‌ها و بانک‌ها.

- اماکن صنعتی: این اماکن محل تولید اجناس و کالاها هستند. در این محل‌ها، معاملات نقدی در زمره فعالیت‌های با اهمیت محسوب نمی‌شود و مشتری حضور کم رنگی دارد. کارخانه‌ها، انبارها و محل بسته‌بندی کالاها از جمله این مکان‌ها هستند.

- محیط‌های کشاورزی: محل‌هایی برای پرورش محصولات کشاورزی، دام و طیور هستند.

- اماکن آموزشی و مذهبی: اماکنی هستند که برای مطالعه یا یادگیری اختصاص داده شده‌اند مانند مراکز بهزیستی، مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و اماکن مذهبی.

---

<sup>1</sup> Goldstein, H., and C. Susmilch

- مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی: اماکنی هستند که مردم در صورت بروز مشکل به آن ها مراجعه می کنند مانند زندان ها، ادارات پلیس، بیمارستان ها و مراکز ترک اعتیاد.
- معابر عمومی: کلیه مسیرهایی هستند که محیط های دیگر را به هم مرتبط می سازد مانند جاده ها، پیاده روها.
- وسایل و پایانه های حمل و نقل: مکان هایی هستند که جابه جایی توده های عظیم از مردم در آنجا صورت می گیرد مانند اتوبوس ها، ترمینال ها، هواپیماها، فرودگاه ها، قطارها، ایستگاه های راه آهن، قایق ها، اسکله ها و ...
- اماکن بلاصاحب: مناطقی بدون استفاده مشخص یا کاربردهای از پیش تعیین شده هستند مانند ساختمان های متروکه و اموال بلاصاحب.
- با توجه به این که مکان ها بستری برای وقوع رفتارهای مجرمانه محسوب می شوند ناگزیر، رفتارها به عنوان دومین ضابطه در طبقه بندی جرایم بررسی خواهند شد. در کل شش نوع رفتار مرتبط با مسایل جرم شناسی وجود دارد:
- رفتار غارتگرانه<sup>۱</sup>: در این نوع رفتار، بزهدیده هیچگونه رابطه ای با هم نداشته اند. اغلب جرایم متداول مانند سرقت مقرون به آزار، سرقت از منازل، کودک آزاری و ... از این دسته اند.
- رفتار توافقی<sup>۲</sup>: رفتاری است که طرفین به صورت آگاهانه و با رغبت اقدام به انجام آن می کنند مانند فروش مواد مخدر، معامله اموال مسروقه و ... (شرمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷، ۴۰۸).
- رفتارهای تعارضی<sup>۴</sup>: بروز رفتار خشونت آمیز از سوی هر دو طرف دعوی (درگیری) است که بر اثر سوابق قبلی ایجاد می شود. برخی از انواع خشونت های خانوادگی میان بزرگسالان از این نوع

---

<sup>1</sup>. Predatory behavior

<sup>2</sup>. Consensual behavior

<sup>3</sup> Sherman

<sup>4</sup> Conflicts

رفتار است، اما خشونت‌های خانوادگی میان کودکان و بزرگسالان در دسته رفتارهای غارتگرانه محسوب می‌شود.

- بی‌نظمی‌های اجتماعی<sup>۱</sup>: در این نوع رفتار بزهکاران از بزه دیدگان قابل تفکیک هستند اما آسیب‌ها جدی و شدید نبوده و تعداد بسیاری از اشخاص بزه دیده می‌شوند. بسیاری از مسایلی که آزار دهنده، ناخوشایند و یا با آلودگی‌های صوتی همراه است اما آسیب‌های جدی به افراد و اموالشان وارد نمی‌آورند در این دسته جای می‌گیرند مانند میهمانی‌های پر سر و صدا.

- در معرض خطر بودن<sup>۲</sup>: در این نوع رفتار، یا بزه دیده و بزهکار یک شخص است و یا اصولاً بزهکار قصد آسیب رساندن به بزه دیده را ندارد مانند شروع به خودکشی، مصرف بیش از حد مواد مخدر و تصادفات رانندگی.

- سوءاستفاده از پلیس<sup>۳</sup>: تقاضاها و درخواست‌های تعریف نشده و بدون توجیح در خصوص استفاده از خدمات پلیسی، گزارشات خلاف واقع و تماس‌های مکرر در خصوص موضوعاتی که مردم خود نیز می‌توانند به آن‌ها رسیدگی کنند، از این دسته است. از این شاخه رفتاری در مواردی استفاده می‌شود که آسیب، تنها از رفتاری ناشی شود که برخورد با آن مستلزم به کارگیری منابع پلیسی باشد.

### عزیمت برای ارتکاب جرم

رفتار هر شخص معمولاً محصولی از کنش‌های متقابل میان فرد و محیط است. بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی فقط به مورد نخست توجه می‌کنند (با طرح این سوال که چرا اشخاص

---

<sup>1</sup> Incivilities

<sup>2</sup> Endangerment

<sup>3</sup> Misuse of police

خاصی، بیشتر یا کمتر از دیگران تمایل به بزهکاری دارند). این امر موجب غفلت از مورد دوم یعنی عامل مکان (ویژگی های مهم محیطی که در تبدیل تمایلات مجرمانه از قوه به فعل کمک می کند) می شود. البته در یک مکان یا محله شلوغ، ضرورتاً جرم در هر جا و هر زمانی اتفاق نمی افتد. این واقعیت که اشخاص و اموال در سطح شهر پخش هستند، به این معنا نیست که فرصت های ارتکاب جرم نیز به طور مساوی پخش شده باشد. با در نظر گرفتن استثنائات اندک، جرم به شکل اتفاقی رخ نمی دهد زیرا بزهکاران آماجی را به آماج دیگر ترجیح می دهند. مناسب ترین آماج، مطلوب ترین فرصت ارتکاب جرم تلقی می شود که آن نیز برخاسته از محیط است (کُلکوَهْن/ رایجیان اصلی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹). علاوه بر این به دلایل زیر فرصت های جرم به طور متفاوت و متناسب با زمان و مکان توزیع شده اند (محمد نسل، ۱۳۸۷، صص ۴۱۴ و ۴۱۵):

- بسیاری از مکان ها برای وقوع جرم نامناسب هستند.
  - بسیاری از اشخاص و اموال، هدف های مناسبی برای حمله مجرمانه نیستند.
  - یک مکان خاص ممکن است در یک زمان برای جرم مطلوب باشد و در زمان دیگر نباشد.
  - بزهکاران بالقوه نمی توانند در همه جا حاضر باشند.
- در این زمینه تحقیقات پیشگیری وضعی نشان داده که بزهکاران، سوژه یا آماج خود را معمولاً از سه راه زیر انتخاب می کنند: شناخت قبلی بزه دیده، شغل، تشابه حیطه فعالیت (اسکات و گلدشتاین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ۲۵۹). تشابه حیطه فعالیت، بیش از دو راه دیگر (شناخت قبلی و شغل) واجد آثار جرم شناختی است. مفهوم حیطه فعالیت، رکن اصلی نظریه الگوی جرم<sup>۲</sup> است که

---

<sup>1</sup> Scott, M.S. and H. Goldstein

<sup>2</sup> Crime pattern theory

توسط جرم‌شناسان کانادایی، پت و پائول برانتینگهام مطرح شده (کرنیش و کلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۱۳۲). مطابق این نظریه، بزهکاران در طول فعالیت‌های روزمره، آماج جرم را انتخاب می‌کنند. این موضوع بر این منطبق عقلانی استوار است که ارتکاب جرم، طبق روال روزمره، ساده‌تر است در غیر این صورت باید برای آن متحمل سختی‌های زیادی شد. بسیاری از مطالعات بر مبنای نظریه فعالیت‌های روزمره نشان می‌دهند مسافتی که برای ارتکاب جرم طی می‌شود اغلب کوتاه است. بزهکاران عموماً در نزدیکی منازلشان مرتکب جرم می‌شوند. یکی از متخصصان پیشگیری از جرم ۲۵۸۰۷۴ مورد عزیمت بزهکاران برای ارتکاب جرم در طول ۲ سال را در اداره پلیس وست میدلند، یکی از بزرگ‌ترین ادارات پلیس انگلستان تحلیل کرده و به نکات زیر دست یافته است:

- حدود نیمی از عزیمت‌ها مسافتی کمتر از یک مایل بوده‌اند، (در بیشتر مطالعات صورت گرفته در کشورها یا مناطق کم‌ازدحام‌تر مانند بسیاری از ایالات آمریکا، عزیمت‌ها کمی طولانی‌ترند چرا که تراکم جمعیت، کمتر و دسترسی به وسایل نقلیه بیشتر است).
- طول مسیر با توجه به نوع جرایم متفاوت است. برای مثال دله‌دزدان از مغازه‌ها، نسبت به دیگر بزهکاران مسافت بیشتری را طی کرده‌اند.
- زن‌ها نسبت به مردها مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، احتمالاً بدین خاطر است که اکثراً مرتکب دله‌دزدی می‌شوند.
- بزهکاران در عزیمت برای ارتکاب جرم بسیار متفاوت از یکدیگرند. برخی از آن‌ها معمولاً در محله خود مرتکب جرم شده‌اند و برخی دیگر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، خصوصاً هنگامی که با دیگر بزهکاران در ارتکاب جرم شرکت کرده‌اند.

---

<sup>1</sup> Cornish, D., and R. Clarke

• بزهکاران نوجوان در مناطقی بسیار نزدیک به منزل خود مرتکب جرم می‌شوند، در حالی که بزهکاران ۲۰ ساله و بالاتر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند (کلارک و نیومن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۲۳۹). برای هدفمند کردن این یافته‌ها در ابتدا باید بررسی کرد که بزهکاران در چه اماکنی گرد هم می‌آیند. با مدنظر قرار دادن نظریه الگوی جرم و تفکر دقیق بر دلایل حضور و عدم حضور بزهکاران نتایج مطلوبی حاصل خواهد آمد. باید توجه داشت که منطقه‌ای با نرخ بالای جرایم، ممکن است دارای خیابان‌های عاری از جرم باشد و در عین حال اماکنی داشته باشد که محل ارتکاب بیشتر جرایم‌اند. ممکن است ساکنان نیز بدانند که یک خیابان برای قدم زدن نسبتاً امن است اما خیابان دیگر خیر، حتی ممکن است یک سمت خیابان را به سمت دیگر ترجیح دهند. این یافته‌ها در نهایت، نحوه توزیع جغرافیایی جرم را نشان می‌دهد.

### قاعده «۲۰-۸۰»

یکی از مهم‌ترین قواعد پیشگیری وضعی این است که جرم تا حد بالایی نسبت به اشخاص، اماکن و اشیاء معینی صورت می‌گیرد. مطابق این قاعده، ۲۰ درصد از چیزی پدید آورند ۸۰ درصد نتایج حاصله است. این پدیده را عرفاً قاعده «۲۰-۸۰» نامیده‌اند. در عمل به ندرت پیش می‌آید که این نسبت دقیقاً ۲۰-۸۰ باشد. اما همیشه درصد کمی از امور یا گروه‌ها، به وجود آورنده درصد زیادی از نتایج هستند (تیلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، ۲۱۱). بنابراین قاعده اگر منابع پیشگیری در محل وقوع اکثر جرایم به کار گرفته شوند، پیشگیری بیش‌ترین تاثیر را خواهد داشت. این موضوع را صرفاً در مورد اماکن، نقاط و یا محل‌های ارتکاب جرم پی می‌گیریم. در برخی از کشورهای دنیا الگوهای جرم در بسیاری از مناطق مسکونی نشان می‌دهد، علت ایجاد مسایل

<sup>1</sup> Clarke, R.V. and G.R. Newman

<sup>2</sup> Tilley, N

ناشی از جرم، تعداد اندکی بزهکار مزمن هستند که در آن نزدیکی زندگی می کنند. بر این مبنا می توان گفت (کلکوهن / رایجیان اصلی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷-۳۱):

- تعامل پویایی میان محیط فیزیکی و رفتار بزهکاران وجود دارد.
- اکثر بزهکاران در اصل کسانی هستند که هنگام ارتکاب جرم، عاقلانه فکر می کنند و انتخاب های آگاهانه ای دارند.
- فرصت های جرم به مکان و زمان بستگی دارند. تفاوت های چشمگیری را از آدرسی به آدرس دیگر در منطقه ای جرم خیز می توان یافت. جرم در هر ساعت از شبانه روز و در هر روز از هفته بسیار جابه جا می شود که این امر بازتاب دهنده فرصت هایی برای ارتکاب آن است.

فرایند ۳ مرحله ای زیر نشان می دهد که در یک مکان آیا قاعده «۲۰-۸۰» در مورد جرم مورد نظر حاکم است یا خیر:

۱. باید از اماکن با احتساب جرایم مربوط به هر یک از آن ها فهرستی تهیه نمود و سپس با توجه به تعداد جرایم، آن ها را به ترتیب کرد.
۲. درصد جرایم هر مکان را محاسبه و با هم جمع کرد و سپس درصدهای مربوط به جرایم را با هم جمع کرد، بهتر است از مبتلایان مکان شروع نمود. مطالعات فریبگی
۳. مجموع درصدهای مکان ها را با مجموع درصدهای جرایم مقایسه نمود. این امر نشان دهنده آن است که مبتلایان مکان به چه میزان محل وقوع جرم است.

بخش دوم مقاله حاضر به بررسی تخصصی و جرم شناختی اماکن، نقاط، مسیرها و مناطق بحرانی می پردازد. سپس با تلفیق ویژگی های جرم شناختی این موارد با تحلیل ها و شناخت



کلی حاصل آمده از یک مکان، که در بخش اول تشریح شد، به ارایه الگوها، تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه وضعی می پردازد.

## اماکن بحرانی

اماکن، محیط‌هایی با کارکردهای خاص هستند و به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. برخی از اماکن دائماً محل ارتکاب جرم و بی‌نظمی‌های اجتماعی هستند. در واقع این اماکن در مقایسه با مورد مشابه، از نظر جرم خیزی بحرانی‌ترند. این اماکن محل ارتکاب بیشترین نرخ جرایم و تخلفات بوده و به آن‌ها اماکن بحرانی یا پرمخاطره گفته می‌شود. در یک جمع بندی از مستندات موجود در این زمینه، «پیمایش ملی جرم» در چند کشور از جمله آمریکا، انگلیس و هلند در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که: ۶۵٪ از کل سرقت‌های مقرون به آزار، بیش از ۵۰٪ از تماس‌های مربوط به رها کردن اتومبیلی که سارق با استفاده از آن مرتکب سرقت و جرایم مواد مخدر شده است، ۵۰٪ از جرایم خشونت‌آمیز گزارش شده در طول سال تحصیلی ۱۹۹۹، بیش از ۴۰٪ از موارد تخریب اموال عمومی، ۲۵٪ (۱۰۳ مورد) از ۴۱۵ مورد انواع جرایم گزارش شده، به ترتیب در ۶٪ از فروشگاه‌های مواد غذایی دانورس ماساچوست، ۱۰٪ از پمپ‌های بنزین استین تگزاس، ۸٪ از مدارس استکهلم، ۹٪ از ایستگاه‌های اتوبوس شهر لیورپول بریتانیا، یک پارکینگ طبقاتی شهر ناتینگهام بریتانیا صورت گرفته‌اند (بران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ۲۱۱). بررسی تعداد قابل توجهی از تحقیقات (اسکات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، ۴۹) حداقل ۸ دلیل را برای بحرانی بودن این گونه اماکن نشان می‌دهند:

---

<sup>1</sup> Brown

<sup>2</sup> Scott

۱- تفاوت تصادفی: ممکن است به طور تصادفی بتوان محدود اماکنی را یافت که محل ارتکاب اکثر جرایم هستند. این مورد بیشتر زمانی مصداق می یابد که جرم تنها در چند مکان با نرخ جرم پائین بررسی می شود. بنابراین بهتر است این اماکن در مقطع زمانی دیگری نیز کنترل شوند. اگر ترتیب وقایع در هر دو مقطع تقریباً یکسان باشد، تفاوت تصادفی است.

۲- شیوه گزارش دهی جرایم: ممکن است مسئولان برخی اماکن همواره جرایم ارتكابی در آن جا را به پلیس گزارش کنند، در حالی که دیگر اماکن با این که همین نرخ وقایع در آن ها واقع می شود، اما نرخ بسیار کم تری را گزارش می کنند. کنترل این امر مشکل است، بنابراین باید با ابتکاراتی نظیر مصاحبه از کارکنان پلیس دریافت که آیا نرخ جرایم ثبت شده، با مشاهدات آن ها از جرایم ارتكابی در این اماکن تطابق دارد یا خیر.

۳- تعداد آماج های جرم: یکی از دلایل بیشتر بودن جرم در مکانی نسبت به مکانی دیگر، بیشتر بودن آماج جرم در آنجا نسبت به دیگری است. بنابراین در بسیاری از فروشگاه ها، بزرگی فروشگاه علت پرمخاطره بودن آن نیست، بلکه وجود آماج های زیاد علت عمده این امر تلقی می شود. با بررسی نرخ ها مشخص می شود که آیا تعداد آماج های جرم در جرم مورد نظر تاثیری دارد یا خیر. نرخ، نشان دهنده تعداد جرایم نسبت به آماج های جرم در مقطعی از زمان است. برای احتساب تعداد آماج جرم می توان به شیوه زیر عمل کرد:

۱. تعیین نوع جرم یا جرایم مورد نظر (برای مثال سرقت از وسایل نقلیه).
۲. تعیین جمعیت در معرض خطر (برای مثال وسایل نقلیه).
۳. تعیین محل ها و مدت زمان (برای مثال پارکینگ های مرکز شهر طی یک سال).
۴. یافتن منابع اطلاعاتی که حاوی شمار جرم یا جرایم مورد نظر و آماج های هر مکان باشد. (برای مثال جرایم گزارش شده به پلیس).

۵. برای هر مکان، تقسیم تعداد جرم یا جرایم بر تعداد آماج ها؛ عدد به دست آمده، نرخ جرم مورد نظر است.

۴- فرآورده های در معرض خطر: ممکن است مکانی پرمخاطره، به جای برخورداری از تعداد زیادی آماج جرم، دارای آماج ها یا اجناس چشمگیر و جذاب باشد. با توجه به یافته های پیشگیری وضعی از جمله قاعده «۲۰-۸۰» تمامی اجناس، به طور یکسان در معرض خطر جرم نیستند. پول نقد شایع ترین مثال در سرقت های عادی، سرقت از منازل و سرقت های مقرون به آزار است. پنج معیار کلی برای جذاب و چشمگیر تلقی کردن اجناس عبارتند از: پنهان شدنی، منقول، در دسترس، ارزشمند، جذاب و قابل خرج (اک و اسپلمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹، ۱۹۸).

۵- موقعیت مکانی: اماکنی که در مناطق جرم خیز قرار دارند، مثلاً در محل سکونت بسیاری از بزهکاران به عادت در معرض خطر بیشتری قرار دارند. زیرا بزهکاران ترجیح می دهند برای ارتکاب جرم، مسافت چندانی را طی نکنند.

۶- بزه دیدگی مکرر: تکرار بزه دیدگی به مجموع تعداد جرایمی اشاره دارد که یک بزه دیده یا آماج از اولین تا آخرین جرم، آن ها را تجربه کرده است. بیشتر اشخاص جامعه معمولاً بزه دیده نمی شوند یا در صورت بزه دیده شدن، تعداد بزه دیدگی آنان اندک است. این در حالی است که شمار اندکی از اشخاص، بزه دیده بیشترین جرایم می شوند. برخی اماکن، اشخاصی که نسبت به جرم آسیب پذیرترند را جذب خود می کنند. در این راستا باید بزه دیدگان اماکن پرخطر و بی خطر را مقایسه کرد. اگر تعداد تکرارهای بزه دیدگی، متفاوت باشد تکرار بزه دیدگی ناشی از خطر زیاد اماکن پرخطر، در مقایسه با اماکن بی خطر است.

---

<sup>1</sup> Eck, J., and W. Spelman

۷- جاذب‌های جرم: به اماکنی که بزهکاران بسیاری را به خود جذب می‌کنند، جاذب جرم گفته می‌شود. در اماکن جاذب جرم، تعدد جرم وجود دارد و نرخ جرم بالاست.

۸- ضعف مدیریت: هنگامی که مالکان یا مدیران اماکن، کنترل یا مدیریت کارآمدی نداشته باشند، خطر در آن مکان تشدید می‌شود. تسهیل نظارت طبیعی، تاسیس نظارت رسمی و به کارگیری نگهبان، متصدی و ... از جمله راهکارهای ارتقای مدیریت پیشگیرانه محسوب می‌شود. در تحلیل‌های پیشگیرانه، هر یک از اماکن بحرانی دارای یکی از ویژگی‌های جرم‌شناختی زیر است:

- جرم‌زا: مکان‌هایی هستند که تعداد زیادی از مردم، به دلایلی که ارتباطی با انگیزه‌های مجرمانه ندارند، در آنجا جمع می‌شوند. فراهم آمدن فرصت‌های متعدد ارتکاب جرم و جمع شدن آماج‌های جرم در یک مکان و زمان، می‌تواند جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی را به وجود آورد. مصادیقی از اماکن جرم‌زا عبارتند از مراکز خرید، پایانه‌های حمل و نقل، جشنواره‌ها و استادیوم‌های ورزشی و ... بنابراین علت اصلی بالا بودن نرخ جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی در اینگونه اماکن وجود تعداد زیاد آماج‌های جرم و اشخاصی است که از این مکان‌ها استفاده می‌کنند و نه انگیزه مجرمانه.

- جاذب جرم: مکان‌هایی هستند که فرصت‌های متعددی برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورند. کسانی که انگیزه‌های مجرمانه دارند، به سمت چنین مکان‌هایی جذب می‌شوند. مناطق فروش مواد مخدر و مناطقی که روسپی‌گری در آنجا رواج دارد، از این دسته‌اند. برخی از نقاط مراکز تفریحی نیز برای ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه معروف شده‌اند. ممکن است در ابتدای امر، این مناطق تنها برای ساکنان محل شناخته شده باشند، اما هنگامی که تعداد بزهکارانی که به این مناطق مراجعه می‌کنند افزایش یابد، نرخ جرایم و بی‌نظمی‌ها نیز افزایش می‌یابد. از این رو

ماهیت این اماکن و ویژگی‌های آن‌ها صرف‌نظر از مراجعان آن‌ها، انگیزه ارتکاب جرم را به وجود می‌آورد.

- شتاب‌بخش جرم: هنگامی مصداق می‌یابد که در اماکن، مقررات رفتاری وجود نداشته یا محدود باشد و یا رعایت نشود. برخی مواقع مدیریت با گذر زمان تحلیل می‌رود و این امر به مرور منجر به افزایش مشکلات می‌شود. ممکن است اماکن شتاب‌بخش جرم با حذف عامل حفاظت و نظارت به وجود آیند (پیز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۱۲۲). برای مثال اگر والدین به همراه کودکانشان در زمین بازی حضور پیدا کنند، همزمان از کودکان محافظت می‌کنند (حفاظت) و هم از بروز سوء رفتار در کودکان جلوگیری (نظارت نزدیک) می‌کنند. اگر شیوه رفتاری والدین کم‌کم تغییر کند و کودکان به حال خود رها شوند، خطر بزه دیدگی و یا بزه‌کار شدن فرزندشان افزایش می‌یابد. برخی از جرم‌شناسان معتقدند اماکن می‌توانند از نظر جرم‌خیزی خنثی باشند، به عبارتی نه جرمی جذب کنند و نه آماج جرمی را، و کنترل رفتارها نیز در آنجا مناسب باشد. این اماکن معمولاً دارای نرخ اندکی از جرم هستند و جرم‌های ارتكابی در آن‌ها از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند (لیکاک و تیلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، ۳۰۲). به همین خاطر به ندرت پیش می‌آید که اماکن خنثی، توجه پلیس و مسئولان را به خود جلب کند. بر خلاف اینکه نیاز چندانی به تحلیل جرایم در این گونه اماکن احساس نمی‌شود، تحلیل جرایم در آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که امکان قیاس موثر آن با دیگر اماکن را به وجود می‌آورد. مقایسه مناطق خنثی با مناطق بحرانی، کمک می‌کند تا بتوان تفاوت‌هایی که در مناطق جرم‌زا، جاذب جرم یا شتاب‌بخش جرم ایجاد بحران می‌کند را شناسایی کرد.

---

<sup>1</sup> Pease, K

<sup>2</sup> Laycock, G., and N. Tilley

تبیین جرم‌شناختی بحرانی شدن یک مکان، حداقل سه مساله زیر را پیش رو می‌گذارد: تعداد آماج‌های جرم، تعداد بزهکارانی که از این نقاط بهره‌برداری می‌کنند، میزان کنترلی که در آن مکان اعمال می‌شود. گاهی ممکن است هر سه مورد با هم عامل بحرانی شدن یک مکان تلقی شوند (پیز، ۲۰۰۶، ۳۱۱). برای مثال با راه‌اندازی مسیرهای جدید، تعداد مشتریان افزایش پیدا می‌کند که ممکن است بزهکاران از فرصت‌های پیش آمده برای ارتکاب جرم استفاده نمایند. ممکن است افزایش جرایم ارتكابی موجب شود تعداد مشتریان کاهش یابد که این عامل موجب حذف عامل حفاظت می‌شود. تاثیر دیگر این است که با کاهش منابع تجاری، میزان مدیریت محل نیز کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان این گونه تصور نمود که یک مساله به عنوان یک عامل ایجاد کننده جرم شروع به رشد می‌کند، بعد به جاذب و در نهایت به شتاب‌بخش جرم تبدیل می‌شود.

### محل‌های بحرانی

محل‌های بحرانی، محل‌هایی با نرخ بالا یا غیرمعمول جرم هستند. به طور کلی عوامل مختلفی برای متفاوت بودن این گونه محل‌ها از سایر محله‌ها از نظر جرم‌خیزی بیان شده است، از جمله می‌توان به بازده‌های پولی بیشتر، تراکم بیشتر قربانیان بالقوه، احتمال کمتر دستگیری، وجود امکانات و انگیزه‌های بیشتر برای سکونت و ... اشاره کرد (وینترا/ صمدی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۸-۲۴۷). محل‌های بحرانی فعلی نشان‌دهنده خلاءهای غیرمعمول در جرم هستند. بنابراین، تفاوت قایل شدن میان محل‌های بحرانی فعلی و سابقه‌دار می‌تواند مفید باشد. محل‌های بحرانی سابقه‌دار دارای نرخ بالاتر و مداوم‌تری از جرم نسبت به سایر محل‌ها هستند و

بعید است که جرایم این گونه محل ها کاهش یابند مگر این که در آن ها اقدامی انجام شود. بحرانی بودن محل ها، ناشی از وجود نقاط، مسیرها و یا مناطق جرم خیز در آن ها است:

• نقاط بحرانی: مکان هایی هستند که سطوح جرم در آنجا بالاست. این نقاط نشان می دهند جرم در اماکن یا آدرس های بزه دیدگان مکرر متمرکز شده است.

• مسیرهای بحرانی: خیابان هایی هستند که جرم در آنجا متمرکز شده است. این مسیرها در صورتی شکل می گیرند که مثلا نرخ بالایی از تخریب شیشه خودرو و داخل شدن به آن، بر روی وسایل نقلیه ی پارک شده در طول خیابان هایی خاص صورت گیرد.

• مناطق بحرانی: مناطقی هستند که جرم در آن ها متمرکز شده است. ویژگی های موجود در هر منطقه ممکن است جرم را در این مناطق افزایش دهد (لیکاک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ۲۳۳). یک منطقه بحرانی ممکن است شمار زیادی از جرایم مستقل و مجزا را در برگیرد. یکی از نظریه پردازان این عرصه به نام جری راتکیلِف، میان دو نوع از محل های بحرانی منطقه ای تفاوت قایل می شود:

- آن هایی که دارای الگویی به هم چسبیده و گروهی از جرایم هستند.

- آن هایی که دارای پراکندگی یکنواخت و متناسب از جرایم، در سطح منطقه بحرانی موردنظر هستند.

با روشن شدن ماهیت محل های بحرانی، افقی اندک از راهکارهای پیشگیرانه به شرح زیر نمایان می شود:

• نقاط بحرانی بیانگر لزوم ایجاد تغییر در محیط فیزیکی مکان هایی خاص یا تغییر در نحوه مدیریت آن ها هستند. آن ها همچنین گویای لزوم مداخله و اقدام در مورد بزه دیدگان در معرض خطر بالا هستند.

---

<sup>1</sup> Laycock, G.

- مسیرهای بحرانی بیانگر لزوم تغییر و اصلاح محیطی خیابان ها، راه‌ها و دیگر مسیرها یا فقط محیط داخل آن‌ها هستند.
  - مناطق بحرانی بیانگر لزوم مشارکت همه نهادها و شهروندان در سطحی وسیع هستند به طوری که محله‌ها تغییر یابند (اک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ۹۸).
- بهتر است تحلیل محل‌های بحرانی با نقاط آغاز شود و سپس خیابان‌ها و در آخر مناطق بررسی شوند. برای مثال در تحلیل مساله خودروهای بلاصاحب و رها شده باید معیارهای زیر را مدنظر قرار داد: آیا آن‌ها مکررا در آدرس‌های خاص یافت می‌شوند؟ اگر جواب مثبت است، آنگاه باید درصدد بود که چرا این اماکن به سایر اماکن نزدیک آنجا ترجیح داده می‌شوند؟ اگر پاسخ منفی است، بهتر است به بررسی خیابان‌ها پرداخت. اگر تمرکز در سطح خیابان باشد، بهتر است برای یافتن این که چرا برخی خیابان‌ها محلی برای این گونه خودروها است ولی سایر خیابان‌ها خیر، خیابان‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. اگر تمرکز در سطح خیابان اندک بود (یعنی جرم به طور یکنواخت و متناسب در سطح شمار زیادی از خیابان‌ها گسترده باشد)، آنگاه بهتر است به تمرکز در سطح منطقه توجه کرد و مناطق دارای تمرکز زیاد و کم را با یکدیگر مقایسه نمود. اتخاذ این رویکرد، تضمین‌کننده راهکاری است که بیشترین احتمال کاهش جرم را دارد.
- تحلیل محل‌های بحرانی می‌تواند در ابتدا ابزاری ارزشمند در فرایند پیشگیری وضعی باشد اما برای کشف محل‌های بحرانی لازم است روشن شود چرا برخی محل‌ها بحرانی هستند و برخی دیگر خیر. اگر عنصری جغرافیایی در جرم مورد نظر دخیل نباشد، نقشه‌برداری از محل‌های بحرانی کارایی اندکی دارد و باید از سایر رویکردهای تحلیلی بهره گرفت.

---

<sup>1</sup> Eck, J



## جابه جایی بزهکاری

پیشگیری وضعی درصدد کاهش موقعیت‌های ارتکاب جرم با اجرای راهکارهای پیشگیرانه است. مطابق نظریه جابه‌جایی بزهکاری، ممکن است جرم حول پنج محور زیر جابه‌جا شود (موسسه قانون و عدالت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۵۰۱):

- ۱- انتقال جرم از محلی به محل دیگر (انتقال جغرافیایی).
  - ۲- انتقال زمان ارتکاب جرم از زمانی به زمان دیگر (انتقال زمانی).
  - ۳- انتقال سوژه یا آماج جرم به آماجی دیگر (انتقال آماج).
  - ۴- تغییر نحوه ارتکاب جرم (انتقال شیوه، ترفند).
  - ۵- ارتکاب جرم دیگری به جای جرم مورد نظر (انتقال نوع جرم).
- در هر یک از موارد بالا، نظریه جابه‌جایی فرض را بر این می‌گذارد که بزهکاران قطعا مرتکب جرم می‌شوند، حتی اگر هر تدبیر یا راهکار پیشگیرانه ای مانع آن‌ها شود (بنابراین فرض ارتکاب جرم قطعی است). این فرضیه مبتنی بر گرایش باطنی بزهکار به ارتکاب جرم بوده و این میل را به قدری قوی می‌داند که او را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند، آن هم به همان شیوه‌ای که در ذهن بزهکار است. فرضیه دیگر این نظریه این است که بزهکاران حرفه‌ای یا معتادان برای امرار معاش باید درآمد مکفی از ارتکاب جرم عایدشان شود.
- اما در واقع دلیل قاطعی وجود ندارد که نشان دهد بزهکاران برای ارضای تمایلات شدید روانی خود (جبر روانی) دست به ارتکاب جرم می‌زنند. بلکه برعکس، دلایل زیادی بیان‌گر این مطلب‌اند که انسان‌ها در ارتکاب جرم و این‌که کجا و چگونه مرتکب جرم شوند در اختیار دارند. بنابراین نظریه جابه‌جایی بزهکاری نقش مهم «وسوسه و موقعیت» را در ارتکاب جرم نادیده

---

<sup>1</sup> Institute for Law and Justice

می‌گیرد. این نظریه حتی در مورد بزهکاران مزمن نیز «موقعیت ارتکاب جرم» را نادیده می‌گیرد. تحقیقات انجام شده بر معتادان نیز نشان می‌دهد که آن‌ها برای مصرف مواد و اعتیاد خود به هر نوع تغییراتی خو می‌گیرند. در مورد بزهکاران حرفه‌ای مانند سارقان بانک، بر خلاف فرضیه جابه‌جایی بزهکاری نمی‌توان گفت همیشه درآمد ثابتی از ارتکاب این جرم عایدشان می‌شود. چنانچه برای این نوع بزهکاران شرایطی فراهم شود که ارتکاب سرقت را سخت‌تر و مخاطره‌آمیزتر کند، مطمئناً سرقت‌های کمتری مرتکب می‌شوند. سارقان بانک به مثابه سارقان دیگر گاهی مجبور می‌شوند به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال مذکور (سخت و پرخطر شدن سرقت) سطح توقعات خود را پایین آورده و به درآمد کمتر قانع شوند (کلارک و اک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹، ۶۸).

البته نمی‌توان جابه‌جایی بزهکاری را نادیده گرفت. در واقع مطابق نظریه انتخاب منطقی، زمانی که منافع حاصل پس از جابه‌جایی بزهکاری، بیش از هزینه‌های تحمیلی ارتکاب جرم به بزهکار باشد، جابه‌جایی بزهکاری همچنان ادامه می‌یابد. بسیاری از تحقیقات بیان‌گر این مطلب اند که یا جابه‌جایی بزهکاری صورت نمی‌گیرد و یا در صورت وجود، بسیار محدود است. چهار گزارش موثق از انگلستان، کانادا، آمریکا و هلند در این رابطه وجود دارد. گزارش هلند (جدیدترین گزارش) ۵۵ پروژه پیشگیرانه را در کل جهان مورد بررسی قرار داده، در ۲۲ مورد آن هیچ‌گونه جابه‌جایی رخ نداده و در ۳۳ مورد باقیمانده فقط بعضی از جرایم جابه‌جا شده‌اند. در هیچ‌یک از این موارد، نرخ جرم جابه‌جا شده با نرخ جرم پیشگیری شده برابر نبوده، همچنین جابه‌جایی موجب افزایش جرم دیگری نشده است (کرنیش و کلارک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، ۱۲۲).

<sup>1</sup> Clarke, R., and J. Eck

<sup>2</sup> Cornish, D., and R. Clarke

معمولا جابه‌جایی بزهکاری محدود است زیرا بزهکاران به سختی می‌توانند سریعا خود را با شرایط جدید سازگار کنند. اگر بزهکاران با شرایط جدید سازگار شوند احتمال بسیار زیادی دارد که اماکن، زمان‌ها، آماج، شیوه‌ها و انواع جرایمی را جابه‌جا کنند که با موارد مشابه فروبسته توسط برنامه‌های پیشگیری از جرم مشابهت دارد. بنابراین با حدس زدن اموری که سازگار شدن بزهکاران با آن‌ها آسان است، می‌توان جابه‌جایی بزهکاری را پیش‌بینی کرد. جابه‌جایی بزهکاری همیشه تهدیدی در راه اجرای اقدامات پیشگیرانه محسوب می‌شود، اما دلایل نظری قوی وجود دارد که نشان می‌دهد جابه‌جایی بزهکاری الزاما به وقوع نمی‌پیوندد. علاوه بر این مطالعات صورت گرفته بر جابه‌جایی بزهکاری نشان می‌دهند که حتی در صورت وقوع، ممکن است جابه‌جایی به صورت کامل و همه‌جانبه نباشد و می‌توان بخش عظیمی از جرم را با اقدامات سالب موقعیت جرم کاهش داد. بحث را با بررسی جابه‌جایی جغرافیایی جرایم پیگیری می‌کنیم. جابه‌جایی جغرافیایی بزهکاری زمانی رخ می‌دهد که مداخله و اجرای راهکار، فرصت ارتکاب جرم در یک نقطه را یا محدود کرده و یا از بین برده است و بزهکاران مجبور می‌شوند برای ارتکاب جرم به نقطه یا محدوده دیگری بروند.

بزهکاران حرکت به نقاط دیگر را دشوار تلقی می‌کنند چرا که با تغییر مکان، فرصت‌های موجود برای بی‌نظمی یا ارتکاب جرم محدود می‌شود. آماج‌ها ممکن است در برخی مکان‌ها متمرکز بوده و در برخی مکان‌ها متمرکز نباشند. بزه‌دیدگان بالقوه ممکن است در برخی مکان‌ها یافت شده و در برخی مکان‌ها یافت نشوند. برخی اماکن وسایل اندکی برای کنترل رفتارها در اختیار دارند، در حالی که برخی دیگر این‌گونه نیستند. فرصت‌های موجود یا تحریک‌آمیز بوده یا آن‌قدر از دسترس بزهکاران دورند که برای ارتکاب جرم، مناسب تشخیص داده نمی‌شوند.

بزهکاران در مواقعی که مجبور به جابه‌جایی می‌شوند چندان وقت خود را صرف بررسی نقاط دوردست نمی‌کنند. به عبارت دیگر اگر آن‌ها تصمیم به جابه‌جایی بگیرند نقطه‌ای را انتخاب خواهند کرد که به پاتوق همیشگی ارتکاب جرم نزدیک باشد. بنابراین هر قدر فاصله بزهکاران با پاتوق همیشگی‌شان بیش‌تر می‌شود فرصت ارتکاب جرم توسط آن‌ها نیز کمتر می‌شود. همه مکان‌ها برای بزهکاران مناسب نیستند چرا که فرصت‌ها در همه نقاط به طور یکسان فراهم نمی‌شوند (هسلینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ۳۴۵). با محقق شدن جابه‌جایی‌های جغرافیایی، احتمال انتقال جرم به موقعیت‌های مکانی خاصی افزایش خواهد یافت که بسیار شبیه موقعیت‌های مکانی تاثیر پذیرفته از راهکارهای پیشگیرانه هستند. این نوع جابه‌جایی‌ها در مقایسه با جابه‌جایی جرایم به موقعیت‌های مکانی بسیار متفاوت، تلاش و آموزش کمتری لازم داشته و خطر کمتری برای بزهکاران در پی خواهند داشت. در چنین شرایطی احتمال این‌که بزهکاران برای مقابله با راهکار پیشگیرانه تلاش نمایند زیاد است. اگر بزهکاران توان مقابله با راهکار پیشگیرانه را نداشته باشند، در آن صورت آشناترین موقعیت‌های مکانی، بیش‌ترین احتمال جذب جابه‌جایی جرم را خواهد داشت. مناطقی که بیش‌ترین احتمال جذب جابه‌جایی‌ها را دارند قابل پیش‌بینی‌اند، اما برای این امر لازم است که اطلاعات کافی از فرصت‌های ارتکاب جرم در موقعیت فعلی وجود داشته باشد.

استفاده از منطقه کنترل دور برای مقایسه بسیار مناسب است. منطقه دور از منطقه اجرای راهکار که نقش کنترل‌کننده دارد نشان می‌دهد اگر هیچ‌گونه اقدامی برای کاهش جرم انجام نمی‌شد، وضعیت منطقه اجرای راهکار یا مناطق مجاور آن نیز هیچ تغییری نمی‌کرد. در ارزیابی‌ها باید دو منطقه مقایسه را انتخاب نمود: یک منطقه در نزدیکی منطقه اجرای راهکار که

---

<sup>1</sup> Hesseling

از فرصت‌های مشابه ارتکاب جرم برای کشف جابه‌جایی جغرافیایی برخوردار باشد و یک منطقه را نیز به عنوان منطقه کنترل. منطقه کنترل می‌بایست با ایجاد فاصله و موانع حفاظتی دیگر (نظیر بزرگراه یا رودخانه) از مسایل ناشی از جابه‌جایی محافظت گردد. انتخاب درست منطقه کنترل و منطقه جابه‌جایی، اطلاعاتی درباره الگوهای جابه‌جایی عادی بزهکاران را به دست می‌دهد، چرا که اصولاً منطقه کنترل می‌بایست خارج از محدوده این اشخاص و منطقه جایگزینی می‌بایست در داخل محدوده آن‌ها باشد (بوبا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۱۴۳). گروه‌های کنترل نشان می‌دهند در صورتی که راهکاری اجرا نشود چه اتفاقی برای جرایم می‌افتد. این گروه‌ها تا حد ممکن باید مشابه گروه مشمول اجرای راهکار باشند اما نباید تحت تاثیر راهکار قرار گیرند. اگر در منطقه کنترل مداخله شود، به این نتیجه‌گیری گمراه کننده می‌انجامد که اگر هیچ راهکاری اجرا نشود، اوضاع بهتر خواهد شد. این نتیجه‌گیری نادرست باعث می‌شود تا ثمربخشی برنامه پیشگیرانه کمتر از حد واقعی برآورد شود. بهترین روش در این زمینه، ایجاد دو منطقه متحدالمرکز حول منطقه اجرای راهکار است. گاهی مداخله وارد منطقه مجاور شده اما منطقه کنترلی بیرونی را شامل نمی‌شود. این امر در صورتی ممکن است که منطقه‌های کنترل و اجرای راهکار بسیار مشابه بوده و جابه‌جایی به منطقه کنترل نرسد. مناطق کنترل مشخصاً به خاطر شباهت و جدا بودن از منطقه اجرای راهکار انتخاب می‌شوند. می‌توان منطقه‌های چندگانه کنترل را انتخاب کرد و نرخ جرایم آن‌ها را به طور میانگین محاسبه نمود.

---

<sup>1</sup> Boba

## توزیع جغرافیایی منافع

گاهی در مواردی که انتظار می رود با اجرای راهکارهای پیشگیرانه وضعی، جابه‌جایی بزهکاری صورت گیرد، دقیقاً عکس آن اتفاق می افتد. به جای آنکه جرم به مکان دیگری جابه‌جا شود، نرخ آن بسیار گستره‌تر از آنچه که انتظار می‌رود کاهش می‌یابد، به بیانی دیگر جرم فراتر از حیطه اقدامات صورت گرفته کاهش می یابد. برای مثال با نصب چراغ‌های راهنمایی مجهز به دوربین در تقاطع‌های مشخصی، علاوه بر کاهش تعداد تخلفات راهنمایی و رانندگی در این تقاطع‌ها، معمولاً می‌توان شاهد کاهش نرخ تخلفات ارتكابی در تقاطع‌های مجاور نیز بود. به این پدیده، اصطلاحاً توزیع منافع گفته می شود. به نظر می‌رسد بزهکاران بالقوه از اجرای راهکارهای پیشگیرانه آگاهند یا کمابیش آگاه می شوند، اما غالباً از حیطه دقیق اجرای آن مطمئن نیستند. آن‌ها اغلب حیطه اقدامات پیشگیرانه را بیشتر از حد واقعی آن تصور نموده و فکر می‌کنند اقدامات لازم برای ارتكاب جرم در بسیاری از مکان‌ها و نسبت به بسیاری از آماج‌های جرم افزایش یافته و برای ارتكاب جرم، خطر بیشتری را باید متحمل شوند. این بدان معنی است که توزیع منافع نیز مانند انواع متفاوت جابه‌جایی بزهکاری، می‌تواند اشکالی متفاوت داشته باشد (کلارک و ویسبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ۷۹). توزیع منافع امری غیره منتظره است، به طوری که دستاوردهای کاربردی پیشگیری وضعی را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. اما هنوز مشخص نشده که چگونه می‌توان به طور هدفمند و آگاهانه به آن دست یافت. قطعاً یکی از بهترین شیوه‌های آن تبلیغات است. نمونه این موضوع، مبارزه تبلیغاتی در شمال انگلستان بود که موجب شد عواید و مزایای حاصل از نظارت و کنترل با دوربین‌های مدار بسته جهت پیشگیری از تخریب اتوبوس‌ها، همه مجموعه ۸۰ اتوبوس را در برگیرد، در حالی که این دوربین‌ها تنها بر

---

<sup>1</sup> Clarke, R., and D. Weisburd

روی تعداد معدودی از اتوبوس‌های آن منطقه نصب شده بود. یکی از این اتوبوس‌ها در حوالی مدارس به کار گرفته شد تا به صورت تبلیغی به دانش آموزان بگوید اگر مرتکب عمل غیراخلاقی شده و یا بخواهند به اتوبوس آسیب برسانند از طریق دوربین‌ها شناسایی و دستگیر شده و تصویر آنان از شبکه سراسری تلویزیون پخش خواهد شد (گروه مشارکتی لندن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ۳۲۵). باید در نظر داشت وقتی بزهکاران متوجه شوند، خطرات و اقدامات برای ارتکاب جرم به گونه‌ای که تصور می‌شود افزایش نیافته است، میزان توزیع منافع کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان داده است این مساله در انگلستان در مورد دستگاه دم‌سنج محقق شده است. این دستگاه به طور موقت تاثیری بیش از حد انتظار بر رانندگان مست داشت. در این مورد به نحوی عمل شد که خطر دستگیری افزایش یافته بود، اما به محض اینکه رانندگان دریافتند خطر ایست و بازرسی کم شده است، مجدداً رانندگی با حالت مستی افزایش یافت. شاید این بدان معنی است که تدابیر اتخاذ شده، بزهکاران را در مسیری هدایت می‌کند که همیشه در پی راه‌حلی باشند و با استفاده از آن بتوانند تهدیدات موجود را کاملاً شناسایی نموده و دقیقاً بدانند، اگر بخواهند مجدداً مرتکب جرم شوند به چه میزان باید تلاش کنند. از حیث عملی، توزیع منافع از این جهت مهم است که دقیقاً عکس جابه‌جایی بزهکاری عمل می‌کند، بنابراین با وجود جابه‌جایی اشاعه اقدامات پیشگیرانه باید استمرار داشته باشد. گام مهم در این زمینه، ارزیابی میزان توزیع است و باید به گونه‌ای باشد که این توزیع را مدیریت کند.

---

<sup>1</sup> Central London Partnership

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر مهم‌ترین مولفه‌های مکانی مورد توجه در عرصه جرم‌شناسی پیشگیری وضعی مورد بررسی قرار گرفت. مکان می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای مهم و موثر در پیشگیری وضعی محسوب شود. از این رو می‌توان با مدنظر قرار دادن آن، به راهکارها و تدابیر پیشگیرانه وضعی جهت بخشید، با معیاری واحد به کلیه جرایم پرداخت و به موثرترین شیوه منابع محدود پیشگیری را صرف بحرانی‌ترین موقعیت‌های مرتبط با جرم نمود. به طور کلی جرم یک پدیده مکانی است، بدین معنا که با وجود یک مکان می‌توان وقوع جرم را متصور شد. تحقیقات نشان داده‌اند به اشکال مختلفی می‌توان وقوع جرایم متنوعی را به مکان‌های خاصی نسبت داد. بنابراین طبقه‌بندی مکانی جرایم می‌تواند در شناسایی تناسب میان برخی جرایم با برخی مکان‌ها کمک شایان توجهی نماید. از سویی بزهکاران در انتخاب مکان یا محل ارتکاب جرم، دست به محاسبه‌هایی منطقی می‌زنند. مجموع این محاسبه‌ها از ابعاد مختلف نشان می‌دهد بزهکار برای ارتکاب جرم، اولاً به محل‌های ناشناخته قدم نمی‌گذارد و دوماً، جرم را غالباً در نزدیکی محل سکونت و یا استقرار خویش مرتکب می‌شود. در این میان برخی از اماکن، مناطق و یا محل‌ها به صورت دائمی محل وقوع بسیاری از جرایم محسوب می‌شوند. از این رو در بخش اول این مقاله سه شاخص مهم مطرح شده‌اند که با درک و تحلیل آن‌ها می‌توان به تشخیص محل‌ها، مناطق و یا اماکن بحرانی و انتخاب مناسب‌ترین راهکار پیشگیرانه نائل آمد. این سه شاخص عبارتند از: طبقه‌بندی مکانی جرایم، عزیمت بزهکاران برای ارتکاب جرم و قاعده «۲۰-۸۰». در بخش دوم این مقاله پس از طرح معیارهای تحلیلی مذکور، به بررسی دقیق و متمرکز اماکن، نقاط، مسیرها و مناطق بحرانی پرداخته شد. بررسی عوامل جرم‌شناختی و خاصیت هر یک از این مکان‌ها از حیث جاذب، شتاب‌بخش و یا خنثی بودن نسبت به جرم، این موضوع را



پیش رو می‌گذارد که هر یک از اماکن، محل‌ها و مناطق می‌تواند به واسطه وجود یک علت و خاصیت یا تلفیقی از علل، بحرانی قلمداد شود. از این رو پس از این بررسی می‌توان متناسب‌ترین راهکار یا یک بسته راهکار پیشگیرانه را به همراه شیوه و مدت اجرای آن پیشنهاد داد. جابه‌جایی بزهکاری و توزیع منافع به عنوان بازخوردهایی معمولاً غیرمنتظره در حین اجرای راهکارهای پیشگیرانه مطرح و تشریح شده‌اند. اگر چه تحقیقات صورت گرفته در راستای این دو موضوع به ویژه توزیع منافع اندک هستند، اما با یافته‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که وقوع جابه‌جایی بزهکاری حتمی نیست و در صورت وقوع نیز می‌توان شیوه اجرای راهکارها را به گونه‌ای تغییر داد که سازگاری بزهکاران با آن یا جابه‌جایی بزهکاری را به حداقل رساند. با این اوصاف پیشنهاد می‌شود که:

۱- با این که در زمینه پیشگیری وضعی از جرم، تحقیقات نظری فراوانی صورت گرفته است اما همچنان به نظر می‌رسد در بسیاری از کشورها از جمله ایران، چارچوب و مبنای مدونی وجود ندارد که تدابیر موثر در این زمینه را از موارد غیرموثر تفکیک کند. این مساله از آنجا نمود بیشتری می‌یابد که اولاً راهکارها و تدابیر پیشگیرانه با سرعت غیرقابل وصفی روبه تغییر و پیشرفت هستند و دوماً در مواردی به صورت پراکنده، به کارایی یا عدم کارایی راهبرد یا راهکاری اشاره می‌شود. این اشارات فاقد مبنای علمی قوی یا متقاعدکننده‌ای هستند و صرفاً متکی به تجربه یا اجرائیات مقطعی می‌باشند. از سویی با عنایت به این که «بومی بودن راهکارها یا تدابیر مذکور» یکی از مهم‌ترین معیارهای موفقیت یا شکست آن در اجرا محسوب می‌شود، اشارات مبتنی بر مشاهده، مصاحبه، آمار و ... فاقد معیارهای علمی لازم برای مطرح شدن یا استفاده از آن در سایر اماکن می‌باشد. از این رو به عنوان یک امر پژوهشی پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان طی یک پروژه کلان پژوهشی، در قالب تحقیقی فراتحلیلی و با توجه به

معیارهای علمی و کاربردی حاکم بر راهکارها و تدابیر پیشگیرانه، به بررسی نظام مند امور پیشگیرانه موثر و غیرموثر در مکان های بحرانی جرم بپردازند.

۲- پیشنهاد دیگر پژوهشی این مقاله آن است که در راستای علت شناسی بحرانی بودن برخی اماکن، محل ها و مناطق نسبت به سایر اماکن، محل ها و مناطق، مطالعه موردی با معیارهای زیر انجام شود:

- اماکن، محل ها و مناطق بحرانی به دقت تعریف و معین شوند. این کار را می توان با استفاده از هرگونه سابقه یا فرایند تحلیلی انجام داد.

- از اماکن، محل ها و مناطق بحرانی یک نمونه آماری انتخاب شود. این کار را می توان با انتخاب یک مجتمع آپارتمانی، یک خیابان یا یک محله بحرانی انجام داد.

- از سایر اماکن، محل ها و مناطق غیربحرانی مجاور یا مشابه، یک نمونه به عنوان کنترل انتخاب شود. مکان یا محل یا منطقه کنترل باید عاری از جرم یا جرایم مورد نظر باشد.

- نمونه کنترل با نمونه بحرانی مقایسه شود. این کار را با مقایسه مشخصه های جرم شناختی دو نمونه می توان انجام داد.

هدف از انجام این مطالعه، دستیابی به مولفه ها، مشخصه ها و معیارهایی است که باعث بحرانی شدن چنین اماکن، محل ها و مناطق نسبت به موارد مشابه می شود. این نوع مطالعه که مزیت اصلی آن بومی بودن است، می تواند در تحلیل و علت شناسی بحرانی شدن موارد مذکور کمک شایان توجهی نماید.

۳- گامی اساسی در زمینه شناسایی نقاط، اماکن، مسیرها و محل های بحرانی برداشته شود. برای شناسایی علمی این موضوع، بررسی و تحلیل نظام مند لازم است. در این زمینه راهبردهای تحلیلی ارایه شده در این مقاله، تدابیری کلیدی محسوب می شوند. اما از آنجا که عنصر زمان و اقلیم هر مکان یا منطقه نقش مهمی در این زمینه دارد، یکی از بهترین طرق ممکن برای اجرایی کردن این راهبردهای نسبتا کلان عبارت است از طراحی نظام جامع اطلاعات پیشگیری. در واقع باید نظامی را طراحی نمود که حاوی اطلاعات بومی از منابع گوناگون مرتبط با جرایم مختلف باشد. در این نظام باید از کلیه اطلاعات جرم موجود در سازمان ها، نهادهای دولتی و غیردولتی مانند بیمه گذاری ها، اورژانس بیمارستان ها، اتحادیه ها یا کارگزاران فروشگاه های اجناس دست دوم، بزه کاران، بزه دیدگان و به ویژه شهروندان استفاده نمود. بهتر است این نظام اطلاعات توسط تحلیل گران جرم و در سازمان پلیس تاسیس و تدوین شود، زیرا پلیس در سراسر کشور اولین نهادی است که با جرم مواجه می شود. با تشکیل نظام جامع اطلاعات می توان به انجام تحلیل دقیق و علمی جرایم واقع شده در هر مکان، محل یا منطقه پرداخت و به شناسایی جرم خیزترین اماکن، محل ها و مناطق نایل آمد.

۴- از نقشه های جرم به شیوه ای بهینه بهره گرفته شود. با ترسیم نقشه جرم می توان به اطلاعاتی دست یافت که معمولا نظام های اطلاعاتی یا نرم افزارهای تحلیل جرم از این اطلاعات برخوردار نیستند. برای کاربردی کردن این پیشنهاد باید در ترسیم نقشه جرم به نکات زیر توجه کرد:

- صرفا از مهم ترین و سودمندترین اطلاعات بهره گرفته شود.

- ساده ترسیم شوند.

- از ترسیم اطلاعات کلی همه جرایم خودداری شود. بلکه صرفا اطلاعات جرم مورد نظر به تفصیل ترسیم شود.

- نقشه باید دارای مقیاس و جهت جغرافیایی باشد.

- در کنار نقشه بهتر است از جدول و شکل نیز استفاده شود.



- قرآن کریم.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، پایان نامه مقطع دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دانش، تاج زمان (۱۳۶۶). مجرم کیست، جرم شناسی چیست؟ تهران، چاپ اول، انتشارات موسسه کیهان.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۸۸). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، تهران، انتشارات میزان.
- رشادتی، جعفر (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در قرآن، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- رضایی، مهرانگیز و همکاران (۱۳۸۸). تحلیل فضایی و پیشگیری از جرم با استفاده از سیستم-های اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۱.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۲). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه مقطع دکتری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶). شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲.
- گلکوهن، ایان (۱۳۸۷). طراحی عاری از جرم، ایجاد مناطق امن و پایدار، ترجمه دکتر مهرداد رایجیان اصلی و دکتر حمیدرضا عامری سیاهویی، تهران، انتشارات میزان.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی، جلد دوم، بخش دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). مجموعه مقالات پلیس و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات

دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری و معاونت آموزش ناجا.

- نوریها، رضا (۱۳۸۶). زمینه جرم شناسی، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.

- وینتر، هرولد (۱۳۸۹). اقتصاد جرم: مقدمه ای بر تحلیل عقلانی جرم، ترجمه دکتر علی

حسین صمدی، جواد اماره و حمیدرضا حسین پور، شیراز، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی

فرماندهی انتظامی فارس و انتشارات نور علم.

- Boba, R. (2008). *Crime Analysis and Crime Mapping*. Thousand Oaks (California): Sage.
- Brown, R. (2006). "The Role of Project Management in Implementing Community Safety Initiatives." In J. Knuttson and R. Clarke (eds.), *Putting Theory to Work: Implementing Situational Crime Prevention and Problem-Oriented Policing*. Crime Prevention Studies, Vol. 20. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Central London Partnership (2006). "A Safer Central London? Business Improvement Districts and Police Reform." CLP Briefing Paper, July.
- Clarke, R., and J. Eck (2009). *Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small Steps*. Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.
- Clarke, R.V. and G.R. Newman (2008). *Designing Out Crime from Products and Systems: Crime revention Studies*, Vol. 18. Monsey (New York): Criminal Justice Press.
- Clarke, R., and D. Weisburd (2010). "Diffusion of Crime Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement." In R. Clarke (ed.), *Crime Prevention Studies*, Vol. 54. Monsey, N.Y.: Criminal Justice Press.

- Cornish, D., and R. Clarke (2009). "Situational Prevention, Displacement of Crime and Rational Choice Theory." In K. Heal and G. Laycock (eds.), *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*. London: Her Majesty's Stationery Office.
- Cornish, D., and R. Clarke (2008). *The Reasoning Criminal: Rational-Choice Perspectives on Offending*. New York: Springer-Verlag.
- Eck, J. (2007). "Preventing Crime at Places." In L. W. Sherman, D. Farrington, and B. Welsh (eds.), *Evidence-Based Crime Prevention*. New York: Routledge.
- Eck, J., and W. Spelman (2008). *Problem-Solving: Problem-Oriented Policing in Newport News*. Washington, D.C.: Police Executive Research Forum.
- Goldstein, H., and C. Susmilch (2006). *Experimenting With the Problem-Oriented Approach to Improving Police Service: A Report and Some Reflections on Two Case Studies*. Vol. 4 of the Project on Development of a Problem-Oriented Approach to Improving Police Service. Madison: University of Wisconsin Law School. Retrieved May 25, 2008, from Center for Problem-Oriented Policing.
- Hesseling, R. (2007). "Displacement: A Review of the Empirical Literature." In R. Clarke (ed.), *Crime Prevention Studies*, Vol. 3. Monsey, N.Y.: Criminal Justice Press.
- Institute for Law and Justice; Science Applications International Corporation, Hallcrest Division (2008). *Operation Cooperation: Guidelines for Partnerships between Law Enforcement & Private Security Organizations*. Washington, D.C.: U.S. Bureau of Justice Assistance.
- Laycock, G. (2007). "Rights, Roles and Responsibilities in the Prevention of Crime." In T. Bennett (ed.), *Preventing Crime and*

Disorder: Targeting Strategies and Responsibilities. Cambridge (United Kingdom): University of Cambridge.

- Laycock, G., and N. Tilley (2009). "Implementing Crime Prevention." In M. Tonry and D. Farrington (eds.), *Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention*. Chicago: University of Chicago Press.

- Pease, K. (2006). "A Review of Street Lighting Evaluations: Crime Reduction Effects." In K. Painter and N. Tilley (eds.), *Surveillance of Public Space: CCTV, Street Lighting and Crime Prevention*. Monsey (New York): Criminal Justice Press.

- Pease, K. (2008). *Cracking Crime Through Design*. London: Design Council.

- Scott, M. (2009). "Implementing Crime Prevention: Lessons Learned From Problem-Oriented Policing Projects." In J. Knuttson and R. Clarke (eds.), *Putting Theory to Work: Implementing Situational Crime Prevention and Problem-Oriented Policing*. Crime Prevention Studies, Vol. 20. Monsey (New York): Criminal Justice Press.

- Scott, M.S. and H. Goldstein (2010). *Shifting and Sharing Responsibility for Public Safety Problems. Response Guide No. 3. Problem-Oriented Guides for Police Series*. Washington, D.C.: Office of Community Oriented Policing Services, U.S. Department of Justice.

- Sherman, L., D. Gottfredson, D. MacKenzie, J. Eck, P. Reuter, and S. Bushway. 2007. *Preventing Crime: What Works, What Doesn't, What's Promising*. Washington, DC: U.S. Department of Justice. NCJ 165366.

- Tilley, N. (2005). "The Prevention of Crime Against Small Businesses: The Safer Cities Experience." *Crime Prevention Unit Series, Paper 45*. London: Home Office.